

پویا اسبقی، سرمربی ایرانی گوته‌بورگ با قهرمانی در جام حذفی سوئد به مهم‌ترین افتخار دوران حرفه‌ای‌اش رسید

اسبقی: نمی‌دانم من جوان‌تر بودم یا اریکسون

نام من در تاریخ گوته‌بورگ ثبت شد



گفت‌وگو

امیر اسدی @amir_asadi62

بعد از جوانگرایی موفق در گوته‌بورگ و البته پاسخ منفی به پیشنهاد بارنزلی در چمپیونشیپ، سرانجام به هدفی که مد نظر داشت، رسید. پویا اسبقی در ۳۵ سالگی به قهرمانی جام حذفی سوئد رسید و یک بار دیگر و پس از مدت‌ها نام گوته‌بورگ را سر زبان‌ها انداخت. گوته‌بورگ همان تیم مشهور و پرافتخاری است که سال‌ها قبل با اسون گوران اریکسون در سوئد و اروپا می‌درخشید. حالا اما دو سه فصلی است که یک مربی جوان ایرانی مسیر اریکسون را رفته و با گوته‌بورگ پیشرفت قابل توجهی را تجربه کرده. گوته‌بورگ بعد از شکست هاماربی و الفسبورگ، در فینال جام حذفی سوئد دست به کار بزرگی زد و ماموی قدرتمند را از پیش رو برداشت و قهرمان شد. اتفاقی که بهانه گفت‌وگوی ما با مربی ایران و بی‌حاشیه گوته‌بورگ، پویا اسبقی است.

تبریک بابت قهرمانی گوته‌بورگ در جام حذفی سوئد.

تشکر از شما. یکی دو روزی است که حالم خیلی خوب است و امیدوارم که باز هم بتوانم همراه گوته‌بورگ افتخار کسب کنم.

قهرمانی شما وقتی ارزشمندتر می‌شود که بدانیم در فینال، مالمو را شکست دادید. از این بازی صحبت می‌کنی؟

این دیدار از ابتدا یک بازی بزرگ بود. چون دو تیم پرافتخار فوتبال باشگاهی در سوئد باید مقابل هم به میدان می‌رفتند. گوته‌بورگ و مالمو دو تیمی هستند که در تاریخ فوتبال سوئد بیشترین قهرمانی را به دست آورده‌اند. الان اما شرایط دو تیم متفاوت است. مالمو امکانات و بازیکنان گرانقیمتی در اختیار دارد اما ما یک تیم جوان هستیم با آرزوهای بزرگ. اینکه توانستیم در فینال مالمو را ببریم یعنی یک کار بزرگ انجام داده‌ایم. پنجشنبه روز بزرگی برای هواداران ما بود، چون هم بعد از مدت‌ها قهرمان شدیم و هم سهمیه حضور در لیگ اروپا را کسب کردیم.

گوته‌بورگ بعد از چند سال قهرمان شد؟

تیم ما ۱۳ سال قبل قهرمان لیگ سوئد شده و پنج فصل پیش هم جام حذفی را فتح کرده است. خوشبختانه طلسم پنج ساله را شکستیم. این قهرمانی وقتی مهم‌تر می‌شود که بدانید بخش اعظمی از تیم ما را محصولات آکادمی و بازیکنان جوان تشکیل می‌دهند.

بعد از قهرمانی چه حسی داشتی و به چه موضوعی فکر می‌کردی؟

خیلی خوشحال بودم. برای یک مربی همیشه اتفاق بزرگی است که بتواند قهرمان شود. آن هم با باشگاهی به نام گوته‌بورگ که پیشینه درخشانی دارد. حالا نام من در تاریخ باشگاه ثبت شده و دیگر کسی نمی‌تواند آن را پاک کند. این قهرمانی برای همیشه به نام من می‌ماند و از این بابت واقعاً خوشحالم.

با توجه به اینکه تنها ۳۵ سال داری، رکورد جوان‌ترین مربی قهرمان به نام تو ثبت نشد؟

دقیقاً نمی‌دانم اما یا باید به نام من ثبت شود یا اسون گوران اریکسون. البته فکر می‌کنم او یکی دو سال از من جوان‌تر بود که کارش را با گوته‌بورگ آغاز کرد و به عنوان قهرمانی رسید. در این مورد مطمئن نیستم و البته زیاد هم برایم موضوع مهمی تلقی نمی‌شود.

نام من در تاریخ گوته‌بورگ ثبت شده و دیگر کسی نمی‌تواند آن را پاک کند. این قهرمانی برای همیشه به نام من می‌ماند و از این بابت واقعاً خوشحالم

خوشحالی‌تان را چگونه با هواداران گوته‌بورگ تقسیم کردید؟

روز خیلی بزرگی را برای هواداران‌مان رقم زدیم. البته به دلیل شیوع ویروس کرونا، کسی نبود که بازی ما را از نزدیک ببیند. بازی بدون حضور هواداران برگزار شد، البته اگر مجوز ورود تماشاگر را می‌دادند، قطعاً ۳۰ تا ۴۰ هزار تماشاگر برای تشویق ما به ورزشگاه می‌آمدند. البته بعد از بازی و وقتی از ورزشگاه بیرون آمدیم با هم خوشحالی کردیم. آنها به استقبال ما آمدند و لحظات لذتبخشی را سپری کردیم.

قهرمانی شما با گوته‌بورگ، در سوئد و بخصوص رسانه‌های این کشور چقدر بازتاب داشت؟

همه به این نکته اشاره کردند که ما بهترین تیم‌ها را شکست دادیم و قهرمان شدیم. در مرحله یک چهارم نهایی هاماربی را بردیم که طی چند فصل گذشته به یکی از قدرت‌های فوتبال سوئد تبدیل شده. در نیمه نهایی الفسبورگ را بردیم که این فصل جزو مدعیان است. فینال هم مالمو را شکست دادیم که بهترین تیم سوئد محسوب می‌شود و از نظر امکانات، پول و بازیکن در سطحی بالاتر از سایر باشگاه‌ها قرار دارد. نکته جالب اینکه مدت‌ها بود در خانه الفسبورگ و هاماربی، این دو تیم را شکست نداده یودیم اما این طلسم را در جام حذفی شکستیم. در کل حق‌مان بود که قهرمان شویم و همه به این موضوع تأکید دارند.

بهرنگ صفری، مدافع ایرانی- سوئدی مالمو هم در فینال حضور داشت. با او صحبت نکردی؟

او را به عنوان یک بازیکن سوئدی- ایرانی و البته باکیفیت در زمین مسابقه می‌شناسم اما خارج از آن نه. البته در فینال دوستش داشتم، چون آنها را شکست دادیم.

می‌دانی نخستین مربی ایرانی هستی که در یک لیگ اروپایی به عنوان قهرمانی می‌رسد؟

نمی‌دانستم اما خوشحالم که شما این نکته را به من گفتید. امیدوارم راهی را باز کنم تا سایر مربیان ایرانی هم بتوانند در باشگاه‌های خارجی کار کنند و به موفقیت برسند.

همچنان در گوته‌بورگ می‌مانی؟

هنوز که اینجا هستم و بازی‌های زیادی از لیگ باقی مانده. این فصل باید در لیگ اروپا هم به میدان برویم و این یک چالش بزرگ برای همه ما است. دوست دارم یک روز در لیگ ایران کار کنم اما الان نمی‌توانم زمان دقیق آن را بگویم.

فکر می‌کنم فصل قبل از بارنزلی در انگلیس پیشنهاد داشتی اما قبول نکردی. توضیح می‌دهی چه اتفاقی افتاد که جواب رد دادی؟

من با مدیران بارنزلی صحبت کردم و همدیگر را دیدیم. من اما دوست داشتم در گوته‌بورگ بمانم و کاری را که آغاز کرده بودم به اتمام برسانم. دو فصل بود اینجا مربی بودم و باید به عنوانی می‌رسیدیم که این اتفاق با قهرمانی در جام حذفی رخ داد.

هدفت در مربیگری حضور در کدام لیگ است؟

می‌دانم، چون همیشه سعی دارم روز به روز و بازی به بازی فکر کنم. دوست ندارم زیاد فکر کنم که مثلاً پنج سال بعد قرار است چه اتفاقی برای من بیفتد. البته همانطور که بازیکنان علاقمندند مقابل بهترین بازیکنان دنیا بازی کنند، من هم دوست دارم هدایت بازیکنانی با سطح بالا را در اختیار بگیرم و مقابل بهترین مربیان بایستم. این می‌تواند باعث پیشرفت من شود.

مربیگری کدامیک از مربیان مطرح فوتبال جهان را می‌پسندی؟

مثل اغلب مربیان، کاریورگن کلوپ و پپ گواردیولا را می‌پسندم و همیشه بازی‌های آنها را با دقت می‌بینم.

جواهر ایرانی در سوئد



روزنوشت‌های یک روزنامه‌نگار

احسان محمدی

مربیگری در هر سطحی لذتبخش است. چیزی شبیه فرماندهی. اینکه عده زیادی تحت فرمان تو باشند، به دستوراتت گوش بدهند، برای بهترین‌ها و شجاع‌ترین‌ها دست بزنی و آنها که نافرمانی می‌کنند یا باعث ناکامی بقیه هستند را کنار بگذاری. این یک وسوسه قدیمی است. حتی دوران مدرسه هم چند نفر برای مبصر شدن با هم رقابت داشتند. فقط چند نفر نه همه. این چند نفر در یک چیز مشترک بودند «لذت هدایت و کنترل.»

در عصر امروز «رهبری» را نه فقط یک دانش که یک هنر می‌دانند. هنر به خدمت گرفتن دیگران برای به دست آوردن نتیجه‌ای که فرد دوست دارد! از این منظر در مربیگری که نوعی رهبری است، رگه‌ای از خودخواهی و دیکتاتوری هم وجود دارد. افراد، ابزاری هستند که با آنها می‌شود به «هدف» رسید. در این بین البته اگر باهوش باشند خودشان هم لذت می‌برند و هم در منافع شریک می‌شوند.

سال‌هاست یکی از آرزوهای ما در فوتبال داشتن «مربی لژیونر» است. از وقتی علی دایی و کریم باقری به آرمینیا بیله فلد رفتند نسل ما با واژه بازیکن لژیونر خو گرفت اما رویای «مربی لژیونر» هنوز ناکام است. جز عباس رضوی در مجارستان، چند مربی ایرانی در حوزه خلیج فارس مربیگری کرده‌اند اما واقعیت این است که با کمی بی‌انصافی و خودخواهی ما کمتر امارات و قطر و کویت را در فوتبال به رسمیت می‌شناسیم.

به نظرمان شیوخ پولداری هستند که لابه‌لای شاهین بازی و بنزسواری، پول‌های خوبی به مربیان و ستاره‌های پا به سن گذاشته دنیا می‌دهند و محض تنوع و «حال کردن» آنها را به این بخش آفتاب خورده دنیا می‌آورند. قضاوتی که البته غلط است.

وقتی الکساندر نوری در بوندس لیگا درخشید، عادل فردوسی‌پور بیش از همه ذوق کرد. او را به برنامه نود برد و حتی در جشن صعود به جام جهانی ۲۰۱۸ که با حضور کارلوس کی‌روش برگزار شد، الکساندر را هم آورد و ما ذوق کردیم که یک مربی آینده‌دار در فوتبال دنیا داریم. نوری اما موفق نماند و از بوندس لیگا لیز خورد. اتفاقی که برای هزاران مربی دیگر در تمام دنیا می‌افتد.

حالا دلگرمیم به پویا اسبقی. پسر ۳۵ ساله‌ای که در فوتبال سوئد به عنوان مربی می‌درخشد. زلاتان در ۳۸ سالگی هنوز می‌درخشد و بوفون در ۴۲ سالگی هنوز دنبال عقد قرارداد است، آن وقت پسر ۳۵ ساله ایرانی در سوئد نامش با احترام یاد می‌شود. در کشوری که اسون گوران اریکسون را به عنوان یک اسطوره مربیگری می‌شناسند جا حتماً برای یک ایرانی تنگ است اما اسبقی که از بدو تولد به سوئد مهاجرت کرده در تلاش است به عنوان یک ایرانی- سوئدی راهش را باز کند.

او طبعاً مشکل زبان ندارد. مجید جلالی به عنوان یک مربی که در ایران معمولاً روی تسلط او به دانش آنالیز تمرکز می‌شود «فقدان تسلط به زبان» را یکی از کلیدی‌ترین دلایل لژیونر نشدن مربیان ایرانی حتی در حوزه خلیج فارس می‌داند. او در کشور زلاتان و کنت اندرسون و توماس برولین و مارتین داهلین و توماس راولی و فردریک لیونبرگ و ... خیلی زود تصمیم گرفت مربی شود.

با موهای سیاه وسط بلوندهای سوئدی حتماً کار آسانی برای فرمانبردار کردن بازیکنان نداشته است. هر چقدر بگویید که اروپا فرق دارد و کله سیاه و کله بور با هم تفاوت ندارند، هنوز رگ‌های نژادپرستی در آن پرخون است. این را خود زلاتان ابراهیموویچ گفت: «اینکه اگر موهایم بلوند بود در سوئد بیشتر مورد توجه بودم.

اسبقی از پایه‌ها آغاز کرد و حالا در ورزشگاه ۱۸ هزارنفری تیم گوته‌بورگ روی صندلی می‌نشیند که در فاصله سال‌های ۱۹۸۲- ۱۹۷۹ اریکسون بزرگ نشسته است.

گوته‌بورگ پیش از اسبقی ۱۴ مربی دیگر داشته است، ۱۱ نفر سوئدی، یک نفر مجار و یک مربی اتریشی. برای نشستن روی نیمکت این تیم باید متمایز بود و شایستگی‌اش را داشت که پویا دارد. نگاهی به همین لیست نشان می‌دهد که ما یک جواهر در سوئد داریم که کمتر نامش را تکرار کرده‌ایم.

او در اوج جوانی هنوز راه طولانی برای پیروزی و کسب تجربه دارد. پسری که خوب است لابه‌لای سوت و کف زدن برای مربیان جوان خارجی، کمی بیشتر هوایش را داشته باشیم.